

کاظم چلیپا:

در عرصه هنر شاهد آموزش ناقص هستیم

هنرمند نقاش و داور بخش نقاشی جشنواره یازدهم فجر معتقد است امروز شاهد آموزش ناقص هنر در کشور هستیم که باید هر چه زودتر به سمت اصلاح آن پیش برویم.

به گزارش هنرآنلاین، کاظم چلیپا با اشاره به اینکه در این دوره از جشنواره تجسمی هنرمندان بسیار حرفه‌ای و متخصص حضور دارند، گفت: حضور چهره‌های حرفه‌ای در شورای سیاست‌گذاری و داوران جشنواره تجسمی باعث شده است امسال شاهد حضور تعداد بالای شرکت‌کنندگان باشیم. ویژگی جشنواره امسال این است که از همه طیف‌ها نمایندگانی در آن حضور دارند و می‌توانند با دیدگاه‌های مختلف به داوری آثار بپردازند.

این هنرمند نقاش افزود: با توجه به اینکه برگزاری یک جشنواره هنری مدنظر بود، ما از میان آثار نقاشی ارسالی کارهایی را انتخاب کردیم که با کیفیت و آبرومند باشند و نمایشگاه خوبی را شکل دهند. آثاری با گرایش‌های متنوع به جشنواره رسیده است که امروز در نمایشگاه صبا می‌توانید مشاهده کنید.

وی بیان کرد: آنچه برای داوران اهمیت داشت این بود که آثار با کیفیت بالا را انتخاب کنیم. حال این امر ممکن است معناگرا باشند یا گرایش واقع‌گرا داشته باشند، روایتگر باشند یا انتزاعی باشند. ما سعی کردیم کارهای خوب را انتخاب کنیم و ملاک‌هایی مانند زیبایی‌شناسی، ترکیب‌بندی خوب و شخصی بودن کار برای من اهمیت داشت. سعی کردیم آثاری را انتخاب کنیم که نشان دهند هنرمند به‌خوبی تعلیم دیده و شناخت خوبی از هنر نقاشی دارد. البته باید توجه داشت که این جشنواره‌ها فرصتی برای حضور جوانان است.



چلیپا ادامه داد: نکته مهمی که با بررسی آثار رسیده به جشنواره در رشته نقاشی شاهد بودیم، درک ظرفیت آموزشی هنر نقاشی در کشور است. درست است که این آثار بر اساس تلاش‌های شخصی هنرمندان به نتیجه رسیده است اما ردپای یک آموزش ناقص را در آنها می‌بینیم. در مدرنیسم به دلیل وجود تفکر آزاداندیش، عقیده بر این است که شاگرد باید آزاد گذاشته شود تا کار خودش را انجام دهد. اما این آزاد گذاشتن مربوط به تخیل و ذهنیت است، نه در تکنیک و مبانی اصول. مادر این آثار شاهد هستیم که آموزش اصول و قواعد به جوانان کامل نبوده و جوانان آموزش درستی ندارند. کسی که اثری را به عنوان پایان‌نامه مقطع کارشناسی یا کارشناسی ارشد انجام می‌دهد، باید مبانی هنرهای تجسمی را در سست آموزش دیده باشد و کاری قابل قبول ارائه دهد. اما به نظر می‌رسد به دلیل افزایش دانشکده‌های هنری و آموزشگاه‌ها مسئله آموزش کمی سست شده است.

او با اشاره به اینکه حضور گالری‌ها در این دوره از جشنواره اتفاق بسیار عالی است، گفت: بخش اصلی جشنواره تجسمی فجر، بخش مسابقه است اما برگزاری نمایشگاه توسط گالری‌ها به طور کلی کیفیت جشنواره را بالاتر می‌برد. این جشنواره برای بازدیدکنندگان جنبه آموزشی هم دارد و حضور گالری‌ها در دل جشنواره می‌تواند داشته‌های هنر تجسمی کشور را بهتر نمایان کند. همچنین برگزاری نمایشگاه‌های استانی که امسال قرار است به شکل نمایش چاپ‌هایی از ۴۰ اثر گنجینه موزه هنرهای معاصر در ۴۰ شهر کشور انجام شود، حرکت خیلی خوبی است که می‌تواند جنبه آموزشی در شهرستان‌ها داشته باشد.

چلیپا درباره آثار پیشرو و معاصر گفت: موضوع پیشرو بودن آثار نقاشی به آن معنا که در یک بی‌ینال نقاشی می‌تواند مطرح شود، در جشنواره تجسمی فجر مطرح نیست. در بی‌ینال نقاشی پیشرو بودن و کشف کردن اهمیت دارد و آثاری که عدم نوآوری در آنها مشهود باشد حذف می‌شوند، اما در جشنواره این موضوع چندان ملاک نیست و ملاک اصلی ارائه کار خوب و خلاقانه است که باید با اصول پایه‌ای آن محکم باشد. یکی از شروط حضور در بی‌ینال جدید بودن و مدرن بودن کار است، اما در جشنواره ممکن است همه نوع آثاری دیده شود.

نگاهی به جشنواره هنرهای تجسمی فجر در ایستگاه یازدهم

جشنواره‌های آشفته، اما مستمر



علیرضا بخشی استوار

یازدهمین دوره از جشنواره بین‌المللی هنرهای تجسمی فجر از هشتم بهمن ماه به صورت رسمی کار خود را آغاز کرد. جشنواره‌ای که پس از آمدن هادی مظفری، مدیرکل جدید دفتر هنرهای تجسمی با تیم اجرایی متفاوتی به کار خود ادامه می‌دهد.

پیش از پرداختن به بخش نمایشگاهی و بخش‌های جانبی این جشنواره نکاتی وجود دارد که مشخصا مربوط به ماهیت چنین رویدادی است. نکاتی که شاید نه به عنوان گلايه بلکه به عنوان یک نقد زیربنایی متوجه جشنواره تجسمی فجر است.

جشنواره تجسمی در میان دیگر

گزارش

بارائه آثار ۱۶۰ هنرمند نقاش در موسسه صبا افتتاح شد

گذر و نظری بر نمایشگاه «هنر بی‌نهایت»



بهروز فایقان

نمایشگاهی از آثار ۱۶۰ هنرمند با عنوان «هنر بی‌نهایت» در نگارخانه‌های استاد فرشچیان و لرزاده موسسه فرهنگی هنری صبا وابسته به فرهنگستان هنر برپا شده است.

مجموعه ۱۸۰ اثر نقاشی، تصویرسازی و حجم که در این نمایشگاه ارائه شده، از سلسله نمایشگاه‌های گروه هنری «آونگ» انتخاب شده و این گروه پیش از این نیز در نمایشگاه‌های متعدد در داخل و خارج از کشور آثارشان را به نمایش گذاشته‌اند.

مراسم افتتاحیه این نمایشگاه در فرهنگستان هنر در حالی برگزار شد که هنرمندان شناخته‌شده‌ای همچون اکبر نیکان‌پور، آرمان استپانیان، عبدالحمید پازوکی، هلیا سلمانی، داریوش فرد دهکردی، کامبیز برنجی و عباس احمدپور در این مراسم حضور داشتند و آثارشان نیز بر دیوارها نقش بسته بود. هلیا سلمانی، کارشناس ارشد هنر و دانشجوی پژوهش هنر در مقطع دکترا سرپرست گروه هنری آونگ و گردآورنده این مجموعه در ابتدای مراسم افتتاحیه در خصوص نحوه شکل‌گیری این نمایشگاه خطاب به حاضرین گفت: «پروسه آماده‌سازی این نمایشگاه بیش از سه ماه طول کشید و در این مدت تمام اعضای گروه هنری آونگ درگیر تهیه این آثار، همچنین شکل‌گیری این مجموعه بودند که همین‌جا لازم می‌دانم از زحمات یکایک آن‌ها تقدیر و تشکر کنم. پیشنهادهایی برای نحوه برگزاری نمایشگاه هم داشته‌ایم که ممکن است تحقق همه آن‌ها در این مجموعه امکان‌پذیر نباشد، اما اطمینان می‌دهیم که تلاش خواهیم کرد تا در نمایشگاه‌های آینده گروه از این پیشنهادها برای رفع کاستی‌های احتمالی مجموعه حاضر نهایت استفاده را به‌عمل آوریم. این هنرمند همچنین در خصوص فعالیت‌های گروه هنری آونگ بیان کرد: «گروه آونگ طی فعالیت سه‌ساله خود

جشنواره‌های فجر از نوپاترین هاست. به اعتقاد بسیاری از دست‌اندرکاران طی این چند سال، وجود چنین جشنواره‌ای به عنوان ویتروینی از هنرهای تجسمی ایران ضروری به نظر آمده است، اما به راستی تا چه اندازه این گزاره پذیرفتنی است؟

در سئوی مقابل بسیاری از هنرمندان که در انجمن‌های مختلف هنری حاضر هستند، برگزاری چنین برنامه‌ای را یکی از دلایل بی‌توجهی دولت به برگزاری بی‌ینال‌ها یا دوسالانه‌های هنری می‌دانند. دوسالانه‌هایی که به شکل مناسب‌تری دستاوردهای هنری هر انجمن را نمایان می‌کنند، پس آیا به واقع جشنواره تجسمی فجر نمای

از دستاوردهای هنر تجسمی ایران است؟ یا این که باید به شکل دیگری بازبینانی‌تر به شناخت ماهیت چنین جشنواره‌ای پرداخت. در این سال‌ها تلاش فراوانی شد تا به دیگران قبولانده شود جشنواره تجسمی فجر، در قالب جشنواره‌های بینارشته‌ای با کیفیت است و سعی می‌کند بعدی از هنر تجسمی روز را به نمایش در بیاورد. جشنواره‌ای که همه جوانب هنرهای تجسمی از مدیاهای کلاسیک تا مدیاهای جدید را یکجا دربرمی‌گیرد. از سویی بر بین‌المللی بودن این جشنواره نیز بسیار تاکید شده است، اما حقیقت آن چه تا امروز نشان داده شده نمایان می‌کند این اتفاق بیشتر مانند همان آمار و

عنوان، معرفی گالری‌ها وجود داشت یا مثلا اگر بخش معرفی هنرمندان بر جسته شهرستان‌ها طراحی شده بود به دلیل خلأیی که در تعداد شرکت‌کنندگان و بی‌کیفیتی آثار رسیده وجود داشت، تنها حالتی پرکردنی در نحوه چیدمان نمایشگاه احساس می‌شد. یعنی دست‌اندرکاران تنها برای خالی‌نماندن پلتفرمی که طراحی کرده بودند هر آن‌سری را به نمایش می‌گذاشتند تا خالی بودن آن بخش نمایشگاهی به چشم نیاید. اتفاقی که مشابه آن در جشنواره امسال هم رخ داده و دلیل آن عقب‌گرد به سیستم برگزاری نمایشگاه به چهار سال قبل است. در واقع تفکیک حوزه‌ها موجب شده برخی از حوزه‌های تجسمی مانند سفال و سرامیک به دلیل کمبود اثر با مشکل مواجه باشد. اگر چه بینارشته‌ای کردن جشنواره به جای تفکیک آن به نظر ایده‌بهتری بود و احتمالا به دلیل برخی لایه‌ها توسط برخی انجمن‌ها رویکرد جشنواره باز به نوعی از نمایشگاه‌های تفکیکی برگشته است؛ سوال اینجاست که چه دلیلی داشت پس از یک دوره چهار ساله دوباره به عقب بازگردیم؟

این سردرگمی و این سوال‌های بی‌پاسخ متعدد که گاهی فقط توجیه می‌شود در این جشنواره امری ریشه‌ای است. جشنواره‌ای که از ابتدا با یک تعجیل صورت‌گرفت و انگار فقط تعداد شمارگان و عنوانش اهمیت دارد. جشنواره‌ای که به‌واقع اثر شاخصی از آن خارج نمی‌شود و فقط چیزی هست که هست و انگار کاری هم با آن نمی‌توان کرد.

اگرچه انحلال چنین جشنواره‌ای

اگر چه به ادعای دست‌اندرکاران این دوره از جشنواره قرار است امسال بهترین و باکیفیت‌ترین دوره جشنواره را ببینیم، اما این تعاریف در دوره‌های قبل هم وجود داشت و نمود تغییرات و از سویی نمود اصلاح‌ها جز آشفتنگی بیشتر نبود

نه تنها ممکن نیست، بلکه کمی هم غیرعقلانی است؛ اما نکته اینجاست که ساختار بینارشته‌ای برای آن کمی منطقی‌تر به نظر می‌رسد. از سویی این جشنواره می‌تواند در مدلی مانند جشنواره بهارستان به جشنواره‌ای بصری در سطح شهر تعمیم پیدا کند و از ساختار درون‌گالری‌ماندن خارج شود تا کمی به ماهیت عنوانش نزدیک‌تر شود. بازگشت به برگزاری نمایشگاه تفکیک شده از انواع هنرها در فضای گالری صبا تنها تباهی هزینه است و دستاوردی برای هیچ‌کس حتی دبیران جشنواره و البته متولیان برگزاری هم نخواهد داشت.

ما پاسخی برای این میزان از به‌هم‌ریختگی در اجرا نداریم. آن چنان که دبیران هم نذارند و تنها باید بگذاریم این رویداد پیش برود تا از این سردرگمی خارج شود و شکل درست خود را پیدا کند، بی‌آن که همچنان بر نامه راه مشخصی داشته باشد. جشنواره تجسمی فجر مانند فرزندی ناخواسته انگار دچار نوعی اصلاح‌ناپذیری دیرپاست که تحمل آن صبر بسیار می‌طلبد.



کامبیز برنجی، مهرداد خطابی، محمد معمارزاده، هلیا سلمانی، مجید زمانی، داریوش فرد دهکردی هنرمندان شناخته‌شده و پیشکسوت حاضر در این نمایشگاه از سوی مدیریت موسسه فرهنگی و هنری صبا بخشی دیگر از این مراسم بود.

همچنین در بخشی از این مراسم از سوی برگزارکنندگان این نمایشگاه از نیم‌نوربخش، مدیر هنری گروه آونگ، روزنامه‌نگار و منتقد هنری، مینا نعیمی، طراح گرافیک و پیمان رحیمی‌زاده به عنوان مشارکت‌کنندگان و حامیان این رویداد هنری تقدیر به‌عمل آمد. اجرای شاهنامه‌خوانی توسط پریسا سیمین‌مهر، هنرمند بین‌المللی نقالی و پرده‌خوانی، همچنین شعرخوانی تاتلی در خشان نیز از دیگر بخش‌های این مراسم بود. گفتنی است نمایشگاه گروهی «هنر بی‌نهایت» تا ۲۵ بهمن ماه در نگارخانه‌های استاد فرشچیان و لرزاده موسسه فرهنگی هنری صبا میزبان علاقه‌مندان به رویدادهای هنری خواهد بود.

ولی وقتی از او سؤال کردم گفت که آن‌ها قبل از هر چیز ارتباطات را یاد می‌گیرند و بعد از آن یک رشته تخصصی را دنبال می‌کنند. همان‌جا بود که متوجه شدم او درست می‌گوید.»

نیکان‌پور در بخش پایانی سخنانش نیز گفت: «امروز شاهد حضور تعداد بسیاری از جوانان کشورمان در رشته‌های هنری هستیم و بنابراین به برنامه‌ریزی‌های دقیق و جدی، حتی در زمینه خرید آثار و حمایت از آن‌ها نیازمندیم. دنیا مدام در تغییر و تحول است و حالا نوبت جوانان و دانشجویان ما رسیده که مورد توجه و حمایت‌های همه‌جانبه قرار بگیرند. جوانان هنرمند ما باید فعالیت‌هایشان را بیش از آنچه هست گسترش دهند و از سوی دیگر لازم است مدیران هنری توانمندی در جایگاه‌های تصمیم‌گیری‌مان داشته باشیم؛ تا آینده نسل جوان هنرمند ما تأمین شود.»

تقدیر از هنرمندان و فعالان عرصه هنر

تقدیر ویژه از اکبر نیکان‌پور، حسینعلی ذابیحی، آرمان استپانیان، عبدالحمید پازوکی،